

پلیس و پیشگیری از جرایم بدون بزه دیده

سیدمحمد مهدی ساداتی^۱

تاریخ پذیرش: ۹۰/۸/۲

تاریخ وصول: ۹۰/۴/۲۵

چکیده

پلیس سازمانی اجتماعی است که وظیفه اصلی آن حفظ نظم و امنیت می باشد. در این نگاه پلیس دارای ساختاری اقتدارگراست. در دوران معاصر با پیشرفت علوم جرم شناسی و مطرح شدن بحث پیشگیری از جرم، به نقش پلیس در این رابطه توجه شده است.

در حقوق کیفری ایران، مبنای جرم انگاری ضرر و حکم شارع است. بنابراین پلیس در پیشگیری از جرایم باید سیاست های پیشگیرانه ای متناسب با جرایم ناشی از این دو مبنا در پیش گیرد. در این مقاله، به این مسئله پاسخ داده می شود که پلیس در جرایم بدون بزه دیده کدام سیاست پیشگیرانه را باید اتخاذ نماید و آیا پلیس در این زمینه باید از سیاست های افتراقی پیشگیری استفاده نماید یا خیر. به منظور بررسی این سیاست ها، نخست تأثیر مطالعات بزه دیده شناسی را بر سیاست های پیشگیرانه با تأکید بر نقش پلیس در جرایم بدون بزه دیده مورد توجه قرار داده و سپس با توجه به عناصر متشکله جرم راهکارهای پلیس را در این زمینه بررسی می نمایم.

در این پژوهش، روش تحقیق توصیفی - تحلیلی خواهد بود. ابزار گردآوری اطلاعات، کتب، مقالات، بانک های اطلاعاتی، نمایه، آرای محاکم و مصاحبه است.

واژگان کلیدی: پلیس اسلامی، جرایم بدون بزه دیده، جرایم شرعی، پیشگیری از جرم، مبنای جرم انگاری.

۱- دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم شناسی دانشگاه تهران

مقدمه

در جوامع در حال توسعه، حفظ و توسعه سرمایه انسانی مهم‌تر از سرمایه طبیعی و مادی است. بی‌شک سرمایه انسانی در شرایطی حفظ و موجب رشد و توسعه اخلاقی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی جوامع می‌گردد که پدیده بزهکاری و جرم آن را تهدید نکند. بنابراین برای تحقق سرمایه انسانی و حفظ آن، یکی از مهم‌ترین اقداماتی که دولت‌ها باید در برنامه‌های کلان خود لحاظ نمایند، مهار بزهکاری و جرم است.

یکی از راهبردهای اساسی در حوزه کنترل اجتماعی «پیشگیری» است. راهبردی عمدتاً پیشینی و متشکل از راهکارهای مستقیم و غیرمستقیم که با هدف ایجاد امکانات و موقعیت‌های بازدارنده از جرم مطرح می‌شود. منظور ما از پیشگیری، مجموعه اقدام‌های سیاست جنایی به استثنای اقدام‌های کیفری است که غایت و هدف انحصاری یا لاقبل جزئی از آن اقدامات، محدود کردن امکان وقوع مجموعه‌ای از جرایم از طریق غیر ممکن کردن ارتکاب جرم، اجتناب کردن از ارتکاب جرم و کاهش احتمال‌های ارتکاب جرم است.

تجربه دراز مدت نظام‌های جزایی حاکی از آنند که پیشگیری، کاهش قابل توجه را در نیروها و هزینه‌های مورد نیاز در کنترل اجتماعی در پی دارد. تدوین سیاست‌های غیر کیفری پیشگیری در سه مرحله پیش، حین^۱ و پس از وقوع جرم مطرح است. در هر سه مرحله، پلیس دارای نقش اساسی و محوری است. همچنین پلیس از طریق برنامه‌های پیشگیری از بزهکاری علاوه بر کاهش جرایم، درصدد کاهش ترس از جرم و بزه دیده شدن و تعدیل احساس ناامنی شهروندان نیز می‌باشد.

با وجود این، واژه پلیس در قوانین و مقررات و نیز در افکار عمومی به طور کلی با مفهوم سرکوبی جرم و مجازات همراه بوده است، اما از آغاز سال‌های دهه هفتاد میلادی، با پذیرش نهاد پیشگیری به عنوان قلمرو جدید سیاست کیفری در کنار قلمرو سنتی آن یعنی سرکوبی، بینش نوینی از مأموریت پلیس در جامعه مطرح شد.

۱- در جرایم مستمر



بر همین اساس بند ۸ ماده ۴ قانون نیروی انتظامی مصوب ۱۳۶۹/۴/۲۷، پیشگیری از وقوع جرم را از جمله وظایف نیروی انتظامی دانسته که به عنوان ضابط قوه قضاییه عهده دار انجام آن می‌باشد. به این شکل وظایف متنوعی برای پلیس به منظور پیشگیری از وقوع جرم و جلوگیری از وقوع وضعیت‌های خطرناک و جرم‌زا به وجود آمده است.

در این مقاله، به این مسئله پاسخ داده می‌شود که پلیس در جرایم بدون بزه دیده کدام سیاست‌های پیشگیرانه را باید اتخاذ نماید و آیا پلیس در این زمینه باید از سیاست‌های افتراقی پیشگیری استفاده نماید یا خیر. در پاسخ به این پرسش نخست با تقسیم جرایم به جرایم بدون بزه دیده و دارای بزه دیده، رابطه بزه دیده شناسی و سیاست‌های پیشگیرانه پلیس را با تأکید بر جرایم بدون بزه دیده بررسی نموده و سپس با توجه به عناصر متشکله جرم، نقش پیشگیرانه پلیس را در این گونه جرایم مطالعه می‌کنیم.

در این پژوهش، مفهوم عام جرم و پیشگیری از آن مدنظر قرار گرفته و بررسی پیشگیری خاص مثلاً پیشگیری از سرقت، خرید و فروش و استعمال مواد مخدر، رابطه نامشروع و مانند آن مورد نظر نیست.

این تحقیق با محدودیت‌هایی نیز روبروست که در زیر به تعدادی از آنها اشاره

می‌نمایم:

۱- نبود آمارهای دقیق در زمینه بزهکاری و وجود ارقام سیاه: می‌دانیم که تنها بخشی از بزهکاری در قالب آمار به ثبت می‌رسد. بزهکاری ناشناخته، خارج از دید و آگاهی ضابطان قضایی قرار دارد. نکته مهم این است که اگر بزهکاری ثبت شده، نمونه معقولی از بزهکاری ارتكابی به ما دهد به گونه‌ای که توانایی تخمین درستی از میزان وقوع بزهکاری در جامعه پیدا نمایم، از اهمیت بزهکاری پنهانی کاسته خواهد شد. اما واقعیت خلاف این امر را ثابت می‌نماید (پیکنا، ۱۳۷۰، ص ۶۲). ندانستن حجم درست بزهکاری، در واقع کارایی نهادهای نظام کیفری و از جمله پلیس را زیر سؤال می‌برد و از اعتماد عمومی به آن می‌کاهد؛

۲- نبود مطالعات بومی جرم‌شناسی: خلاصه آنکه نگارنده با توجه به تحولات حقوق

جزا در سایه توجه بیشتر به مفهوم بزه دیده، در این مقاله به پیشگیری از بزهکاری از زاویه



بزه دیده شناسی نگریسته است. بنابراین اگر چه سیاست پیشگیری در مورد جرایم به طور کلی، دارای شباهت‌های فراوانی است، اما بررسی ابعاد نقش پیشگیری کننده پلیس در جرایم بدون بزه دیده با توجه به آموزه‌های پیشگیری بزه دیده شناختی از نوآوری‌های این مقاله است.

بزه دیده شناسی و سیاست‌های پیشگیرانه پلیس

بزه دیده شناسی^۱ بدون تردید شاخه‌ای از جرم شناسی به شمار می‌رود. بزه دیده شناسی به هر مسئله‌ای که مربوط به بزه دیده باشد توجه می‌کند: شخصیت بزه دیده، ویژگی‌های زیست شناختی، روان شناختی و اخلاقی او، مشخصه‌های اجتماعی- فرهنگی اش، روابطش با مجرم و بالاخره مشارکتش در وقوع جرم.

بزه دیده شناسی به منزله دانش مطالعه قربانیان جرم، رشته مطالعاتی فرعی یا وابسته‌ای است که با انتقاد از ماهیت سنتی بزهکارمدار جرم شناسی پدید آمده است. با وجود این، تفاوت‌هایی که در پیش فرض‌ها و کانون مطالعاتی بزه دیده شناسان وجود داشته، به پیدایش گرایش‌های مختلفی انجامیده است. از بزه دیده شناسی اولیه و ثانویه به عنوان دو گرایش اصلی در بزه دیده شناسی می‌توان نام برد.

بزه دیده شناسی اولیه به مطالعه ویژگی‌ها و نقش بزه دیده در تکوین جرم و نیز رابطه قربانی جرم با مجرم می‌پردازد و در حقیقت بزه دیده شناسی اولیه شاخه‌ای از جرم شناسی علت شناسانه است که در آن نقش بزه دیده در وقوع جرم و به عنوان یکی از علل و عوامل ارتکاب جرم از سوی بزهکار بررسی شده و در کنار سایر علل و عوامل جرم‌زا قرار می‌گیرد و در مقابل، بزه دیده شناسی پیشگیرانه به عنوان شاخه‌ای از جرم شناسی پیشگیرانه شیوه‌های پیشگیری از بزه دیدگی را بررسی و مطالعه می‌کند.

بزه دیده شناسی ثانویه در اثر تحول و توسعه بزه دیده شناسی اولیه به وجود آمده است که دغدغه آن، بهتر ساختن سرنوشت بزه دیده با ارائه کمک، حمایت‌های مادی و معنوی و جبران خسارت‌های وی می‌باشد و انواع مختلفی از حمایت‌ها را در شرایط گوناگون نسبت

1. victimology



به بزه‌دیدگان پیشنهاد می‌کند که در ذیل به تعدادی از آنها اشاره می‌شود:

- ۱- حمایت از بزه‌دیدگان بلافاصله پس از تحقق جرم از قبیل حمایت‌های پزشکی، روان‌شناختی؛
- ۲- حمایت از بزه‌دیده در مرحله دادرسی از قبیل تفهیم حقوق و فراهم آوردن نیازهای حقوقی؛
- ۳- حمایت از بزه‌دیده در مرحله تأمین ضرر و زیان از قبیل تأمین خسارت زیان دیده از منابع دولتی.

بزه‌دیده

یکی از تازه‌ترین موضوع‌هایی که طی چند دهه اخیر در علوم جنایی به طور کلی و در علم جرم‌شناسی به طور خاص مطرح شده، موضوع «بزه‌دیده»^۱ است. بنابراین مثلث «بزه، بزه‌کار و کیفر» به مربع «بزه، بزه‌کار، بزه‌دیده و کیفر» تبدیل شده است (همان، ص ۴۷).

بزه‌دیده در حقوق کیفری با عناوینی چون مجنی‌علیه و یا شاکی مورد توجه قانون‌گذار قرار گرفته و در متون فقهی نیز به زیان‌دیده از جرم، به‌طور کلی، مجنی‌علیه اطلاق می‌شود؛ ولی در هر جرم، زیان‌دیده اصطلاح خاص خود را دارد؛ مثل مسروق منه در سرقت و مجروح و مقتول در جرایم علیه اشخاص.

بزه‌دیده می‌تواند شخص حقیقی و نیز شخص حقوقی باشد. برای نمونه در تبصره ماده ۵۹۶ قانون مجازات اسلامی^۲، سازمان میراث فرهنگی که یک شخص حقوقی است بزه‌دیده تخریب اموال تاریخی، فرهنگی و دیگر جرم‌های ذکر شده در فصل نهم از کتاب پنجم آن قانون شناخته شده است.

بزه‌دیدگی براساس دامنه تأثیر گذاری خود، به دو نوع مستقیم و نامستقیم تقسیم می‌شود. بزه‌دیده مستقیم یا نخستین^۳ شخصی است که آماج مستقیم رفتار مجرمانه قرار

1. victimology

۲- تبصره ماده ۵۹۶ قانون مجازات اسلامی: «اموال فرهنگی- تاریخی حاصله از جرایم مذکور در این فصل تحت نظر سازمان میراث فرهنگی کشور توقیف و در کلیه مواردی که حکم به ضبط و استرداد اموال، وسایل، تجهیزات و خسارت‌ها داده می‌شود به نفع سازمان میراث فرهنگی کشور مورد حکم قرار خواهد گرفت».

3. direct/primary victim

می‌گیرد و قربانی بی‌واسطه بزهکار شناخته می‌شود؛ مانند مقتول در جرم قتل، مال باخته در بزه سرقت یا کلاهبرداری و دختر مکره در جرم تجاوز جنسی. بزه دیده نامستقیم یا دومین^۱ کسانی هستند که هر چند جرم را به طور مستقیم تجربه نکرده‌اند ولی از رهگذر آن به یک آسیب، زیان یا درد و رنج نامستقیم و دومین دچار شده‌اند؛ مانند خانواده درجه یک و دیگر بستگان بزه دیده مستقیم.

جرایم بدون بزه دیده در حقوق کیفری ایران

نوعاً در کتب فقهی، جرایم برحسب مجازات‌ها طبقه بندی شده‌اند. بنابراین جرایم به جرایم مستوجب حدود، قصاص، دیات و تعزیرات تقسیم می‌شوند. تحت تأثیر استفتائاتی از امام خمینی (ره) (مهرپور، ۱۳۷۲، ص ۱۲۴) نوع پنجمی از مجازات‌ها به عنوان مجازات‌های بازدارنده به انواع مجازات‌ها اضافه گردید (رهامی، ۱۳۸۲، ص ۷).

جرایم مستوجب حد به جزء مواردی چون سرقت، قذف و زنا به عنف که دارای بزه دیده معین هستند، مشمول عنوان جرایم بدون بزه دیده خواهند بود. جرایم مستوجب قصاص و دیات نیز از جمله جرایم علیه اشخاص محسوب شده و واجد بزه دیده معین هستند. در جرایم مستوجب تعزیر و مجازات‌های بازدارنده به تعداد بیشتری از جرایم بدون بزه دیده معین برخورد می‌کنیم که به لحاظ رعایت قواعد اخلاقی و یا سایر مصالح عمومی از طرف مقنن، جرم انگاری شده‌اند.

در تقسیم بندی دیگری، جرایم در حقوق اسلامی بر مبنای مصالح لازم الرعایه در جامعه به شش دسته تقسیم می‌شوند:

۱- جرایم علیه دین: این گونه جرایم از زمره جرایم بدون بزه دیده خواهند بود. برخی از مصادیق آن عبارت است از: ارتداد، ساب النبوی، توهین به مقدسات، تظاهر به عمل حرام؛

۲- جرایم علیه عقل: این جرایم نیز از زمره جرایم بدون بزه دیده خواهند بود. برخی از مصادیق آن عبارت است از: دایر کردن مراکز فساد و فحشا، هرزه نگاری، شرب خمر،

1. indirect/secondary victim

استعمال علنی مشروبات الکلی، خرید، حمل یا نگهداری مشروبات الکلی، دایر کردن محل برای شرب خمر؛

۳- جرایم علیه نسل و کیان خانواده: این جرایم نیز از زمره جرایم بدون بزه دیده خواهند بود. برخی از مصادیق آن عبارت است از: زنا، لواط، مساحقه، روابط نامشروع غیر زنا، قوادی، تفخیز، بوسیدن از روی شهوت، برهنه قرار گرفتن دو نفر در زیر یک پوشش، بی حجابی و بدحجابی زنان، دایر کردن مراکز فساد و فحشا و هرزه نگاری؛

۴- جرایم علیه اموال: این جرایم نیز از زمره جرایم دارای بزه دیده خواهند بود مانند سرقت و کلاهبرداری.

۵- جرایم علیه اشخاص: این جرایم نیز از زمره جرایم دارای بزه دیده خواهند بود؛ مانند قتل و ایرداد ضرب و جرح.

۶- جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی: این نوع از جرایم نیز موارد متعددی از جرایم بدون بزه دیده را شامل می شود؛ مانند ولگردی، تکدی گری، کلاشی، اعتیاد به مواد مخدر، مقررات درباره استفاده از کمربند ایمنی و کلاه ایمنی، تخلفات رانندگی، حمل اسلحه و مواد منفجره، ربا، قماربازی و فعالیت های مربوط به آن و جرایم علیه محیط زیست.

پیشگیری در جرایم بدون بزه دیده

در قوانین جزایی بسیاری از کشورها، جرایمی وجود دارد که ارتکاب آنها صدمه ای ملموس به شخص یا اشخاص حقیقی یا حقوقی معینی وارد نمی آورد. در مباحث مربوط به جرم شناسی به این دسته از جرایم اصطلاحاً «جرایم بدون بزه دیده»^۱ می گویند (رهامی، ۱۳۸۷، ص ۱۲). جرایمی نظیر اعتیاد به مواد مخدر، اعتیاد به الکل، روابط جنسی غیر قانونی، همجنس بازی و هرزه نگاری جزء این دسته از جرایم می باشند.

با وجود این، به رغم اهمیت جرم شناسانه بزه های بدون بزه دیده در طبقه بندی بزه دیده شناختی جرایم، هنوز تعریف واحد و جامعی برای آن ارائه نشده است. هر یک از

1. victimless crimes

تعاریف موجود، بر جنبه یا جنبه‌های خاصی از این جرایم تأکید می‌کنند. «سول رابین^۱» آنها را رفتارهایی می‌داند که به دیگران لطمه و خسارت وارد نمی‌کنند، ولی به لحاظ هنجارهای اخلاقی مجرمانه تلقی شده‌اند. ولی در عمل مشاهده می‌شود که این تقبیح اخلاقی شامل پاره‌ای رفتارهای مشابه نمی‌شود. بنابراین قانون‌گذاران نسبت به جرم انگاری همه آنها بی‌اعتنا هستند. به همین دلیل رابین در تعریف خود به دو عنصر فقدان خسارت یا زیان دیده ملموس از جرم و نسبی بودن قضاوت اخلاقی که شامل همه رفتارهای مشابه نمی‌شود توجه کرده است.

در نظر «پکر^۲»، این گونه بزه‌ها، جرایمی هستند که احساس خسارت دیدگی را نزد افراد به وجود نمی‌آورد بنابراین در هیچ کس انگیزه‌ای برای اقامه شکایت علیه مرتکب یا مرتکبان آنها ایجاد نمی‌شود.

«شور^۳» بزه بی‌بزه دیده را مفهومی می‌داند که عمدتاً به تبادل داوطلبانه اموال و خدمات بین بزرگسالان مربوط می‌شود که تقاضا هم برای آنها به رغم ممنوعیت کیفری بالا است.

در هر یک از تعاریف فوق، ویژگی یا ویژگی‌هایی برای جرایم بدون بزه دیده از منظر بزه دیده شناسی توجه شده است که تا اندازه‌ای به تفکیک آنها از گونه جرایم متعارف و سنتی (بزه دیده‌دار) کمک می‌کند.

نکته مهم در مورد این جرایم آن است که پیشگیری از این جرایم، خصوصاً پیشگیری وضعی، به دلیل عدم تمایل افراد درگیر در جرم، از موفقیت چندانی برخوردار نیست.

این گونه جرایم از نظر جرم‌شناختی و جامعه‌شناختی، یک گروه همگون و منسجم را تشکیل نمی‌دهند، ولی با وجود این، پنج ویژگی اصلی برای آنها برشمرده شده است (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۷، صص ۱۲۵-۱۲۳).

نخست، خصیصه داوطلبانه و توأم با رضایت طرفین را می‌توان در برخی از جرایم بزه دیده ملاحظه نمود. ارتکاب بزه‌هایی چون ربا، قمار، مسابقات یا بازی‌های بخت آزمایی،

1. Sol Rubin
2. Packer
3. Schur



خرید و فروش مواد مخدر، در واقع با توافق دو طرفین انجام می‌شود. این امر موجب می‌گردد که پلیس در این گونه جرایم نقش ویژه و به خصوصی را ایفا کند. بحث از «پلیس مکتبی» در این راستا صورت می‌گیرد؛ زیرا در نظام حقوقی موجود در غرب که بر مبنای جدایی دین از سیاست است، مبنای جرم انگاری ضرر است. اما در جامعه اسلامی، این شرع است که جرم و مصادیق آن را تعیین می‌کند. بنابراین نقش پلیس در جرایم بدون بزه دیده در جامعه اسلامی با آنچه در جوامع سکولار جریان دارد متفاوت خواهد بود.

دومین خصیصه این جرایم، محرمانه بودن این جرایم است. اغلب جرایمی که بی‌بزه دیده تلقی شده‌اند، در چارچوب نوعی روابط مخفیانه بین اشخاص ذی‌نفع و به عبارت دیگر در خلوت آنان ارتکاب می‌یابند. پلیس در این مورد، باید در مورد هر جرمی، محیط ایده‌آل آن جرم را سنجیده و اقدامات لازم را انجام دهد. بنابراین، «جرم شناسی محیطی» در مورد جرایم بدون بزه دیده از اهمیت بیشتری برخوردار است.

سومین خصیصه، نبود شاکی است. زیرا کنشگران جرم، تمایل به ارتکاب آن دارند، بنابراین دلیلی برای اعلام جرم و طرح شکایت نزد مقامات قانونی وجود نخواهد داشت. چهارمین خصیصه، نبود خسارت ظاهری و آشکار ناشی از ارتکاب بزه‌های بی‌بزه دیده است. خسارت دیده، عمدتاً خود شخص یا اشخاصی هستند که مبادله مال یا خدمات را انجام داده‌اند. خسارتی هم که از این رهگذر به جامعه وارد می‌شود، غیرمستقیم است و در هر حال تشخیص آن بسیار دشوار می‌نماید. ولگردی در مقام مقایسه با قتل یا سرقت، مصداق بارز این ویژگی جرایم بی‌بزه دیده است. پلیس در این مورد می‌تواند براساس مفهوم «احساس ناامنی» به سنجش خسارت این گونه جرایم بپردازد.

نبود نوعی اجماع یا اتفاق نظر در افکار عمومی درباره قبح کیفری و مجرمانه بودن این رفتارها، ویژگی پنجم این دسته جرایم می‌باشد. همان‌طور که اشاره شد، خسارت‌های ناشی از ارتکاب این جرایم متوجه اشخاص دیگر نمی‌شود و به طور کلی نمود بیرونی و عمومی ندارد. بنابراین تشخیص آنها دشوار است و افکار و اذهان عمومی را نسبت به خود تحریک و حساس نمی‌کند. پس پلیس در نخستین گام باید اعتماد عمومی را به خود جلب نماید تا بتواند از «مشارکت اجتماعی» در جهت سیاست‌های پیشگیرانه خود استفاده نماید.

به عبارت دیگر، پلیس باید نشان دهد که در خدمت مردم است و نه در مقابل مردم. در دومین گام، افزایش آگاهی‌های عمومی به منظور قانع ساختن مردم در جهت سیاست‌های پیشگیرانه پلیس می‌تواند بسیار مؤثر باشد.

آمار جنایی و پیشگیری از جرایم بدون بزه دیده

مبارزه علمی با پدیده بزهکاری و استفاده از راهکارهای مؤثر، کم هزینه و متناسب با شرایط فرهنگی، سیاسی و اقتصادی جهت پیشگیری از جرم و انحراف و به تعبیر بهتر تدوین یک سیاست جنایی کارآمد، مستلزم داشتن اطلاعات کافی در مورد میزان جرایم و انحرافات، علل بروز آنها و میزان توزیع هنجارشکنی‌ها در سطوح زمانی، مکانی، سنی و جنسی است (دلماش مارتی، ۱۳۸۱، ص ۵۹).

بدیهی است که تدوین، ارائه و اجرای تدابیر مناسب جهت پیشگیری و مبارزه با پدیده بزهکاری به طور کلی و یا مقابله با یک جرم خاص نیازمند اطلاع از تعداد وقوع جرم یا جرایم مورد نظر است و در غیر این صورت هر راه حلی که در پیش گرفته شود، غیر علمی بوده و به نتایج مطلوب منتهی نخواهد شد. روشی که برای اطلاع از میزان وقوع جرایم در زمان معین و در یک محدوده مشخص به کار گرفته می‌شود، تهیه «آمار جنایی»^۱ است. آمار جنایی بیانگر دو نوع تبهکاری است:

۱- تبهکاری ظاهری یا پلیسی: آماری که نمایانگر تعداد مراجعات کیفری، اعم از شکایت‌ها و اعلام جرم‌ها به کلانتری‌ها، پلیس و سایر ظابطان دادگستری در زمان و مکان معین می‌باشد (کی‌نیا، ۱۳۸۲، ص ۸۳)؛

۲- تبهکاری قانونی یا قضایی: آمار جنایی محکومیت‌های قطعی است و نشان دهنده تعداد اشخاصی می‌باشد که در زمان و مکان معینی «محکومیت کیفری» پیدا کرده‌اند. هیچ یک از این دو نوع آمار جنایی، بیانگر تبهکاری واقعی یعنی تعداد جرایمی که عملاً ارتکاب یافته نمی‌باشند (نجفی ابرندآبادی، علی حسین و هاشم بیگی، ۱۳۷۷، ص ۹۷) و این امر ناشی از رقم سیاه یا مخفی جرایم است.



عددی که نسبت بین تبهکاری واقعی و تبهکاری قانونی یا قضایی را نشان می‌دهد، در آمار جنایی رقم سیاه^۱ یا رقم مخفی نامیده می‌شود. این رقم در مورد مجرمان متفاوت یکسان نیست. به عنوان مثال در مورد بزهکاری خردسالان و نوجوانان رقم سیاه بزرگ‌تر است؛ زیرا یا این افراد از مسئولیت کیفری مبرا هستند و در آمار قضایی به حساب نمی‌آیند یا اینکه معمولاً بزه دیدگان در مورد آنها با اغماض رفتار کرده و از شکایت خود صرف نظر می‌کنند.

همچنین رقم سیاه در مورد جرایم مختلف نیز متفاوت است. از جمله در جرایمی که اصطلاحاً «جرایم آپارتمانی»^۲ نامیده می‌شوند همانند: ارتشاء، اختلاس، کلاهبرداری و خصوصاً جرایم جنسی، رقم جرایم مخفی و کشف نشده بسیار بالا است. در عوض، در جرایمی که اصطلاحاً «جرایم خیابانی»^۳ نام دارند، از قبیل: قتل، ضرب و جرح، رقم سیاه جرایم کمتر است.

به این ترتیب ملاحظه می‌گردد که از یک سو در پیش گرفتن هرگونه سیاست و برنامه‌ای جهت پیشگیری و مبارزه با جرایم، از جمله جرایم بدون بزه دیده، مستلزم آگاهی از آمار جنایی نزدیک به واقعیت بوده و از سوی دیگر آمارهای جنایی در مورد جرایم بدون بزه دیده به هیچ وجه نشان دهنده تبهکاری واقعی نبوده و رقم سیاه در این مورد بسیار بالاست. به همین دلیل اتخاذ راهکارهای مفید و کارآمد جهت مبارزه با این گونه جرایم بسیار دشوار می‌نماید. البته بالا بودن رقم سیاه در مورد این جرایم ناشی از دو امر است:

- ۱- تلاش مرتکبان این جرایم در مخفی نگه داشتن وقوع این جرایم؛
- ۲- فقدان بزه دیده و شاکی خصوصی جهت اطلاع به مقامات صالحه و شکایت کیفری که سبب می‌شود دعوی کیفری به جریان نیفتاده و تعقیب و رسیدگی انجام نگیرد. نتیجه آنکه هرگونه سیاست پیشگیرانه پلیس در پیشگیری از جرایم بدون بزه دیده، بدون در دست داشتن آمار جنایی معتبر از کارآمدی لازم برخوردار نخواهد بود.

1. dark number
2. suite crimes
3. street crimes

عناصر متشکله جرم و سیاست‌های پیشگیرانه پلیس در جرایم بدون بزه دیده اندیشه پیشگیری از جرم دیر زمانی است که فکر دانشمندان علوم جنایی را به خود مشغول داشته است. از چند دهه قبل، رهیافت جدیدی بر سیاست جنایی در بعد پیشگیری از جرم تأثیر گذاشته است که محور اصلی آن، توجه و تکیه بر بزه دیده و به عبارت دقیق‌تر آماج و هدف جرم می‌باشد؛ زیرا گفته شده که در وقوع یک جرم، همگرایی و تقارن سه عنصر لازم است که عبارت است از:

۱. جود یک مرتکب بانگیزه؛
۲. نبودن مانع و رادع مؤثر؛
۳. وجود یک آماج و هدف مستعد و محافظت نشده (کوهن^۱، ۱۹۷۹، صص ۵۸۸-۶۰۸).

وجود یک مرتکب بانگیزه در نظام جمهوری اسلامی ایران، مبنای اصلی جرایم نظریه اصالت دین است. این نظریه، قائل به همسان انگاری گناه و جرم است. حال برخی از این گناهان، دارای عنوان مجرمانه است و برخی دارای این عنوان نیست. با این حال، دادگاه‌ها به موجب مستندات قانونی مجازند که هر عمل حرامی را تعزیر نمایند؛ مانند روزه خواری. در کنار نظریه اصالت دین، نظریه اصالت واقع‌گرایی تجربی وجود دارد. در این نظریه، مبنای جرم انگاری حفظ نظم اجتماعی است.

بنابراین پلیس در امر پیشگیری از جرایم بدون بزه دیده با سه دسته از جرایم روبروست:

- ۱- اعمالی که مبنای جرم‌انگاری آنها ارتکاب یک گناه است و به این اعمال صراحتاً در قانون مصوب مجلس اشاره شده است؛
- ۲- اعمالی که مبنای جرم‌انگاری آنها ارتکاب یک گناه است ولی به این اعمال صراحتاً در قانون مصوب مجلس اشاره نشده است؛

1. Cohen



۳- جرایمی که محل نظم اجتماعی است.

بنابراین پلیس در پیشگیری از هر یک از این جرایم باید راهبردهای پیشگیرانه ویژه و مخصوصی داشته باشد. به عنوان نمونه، از راهبردی که برای حفظ نظم اجتماعی به کار می‌رود نمی‌توان برای مبارزه با نداشتن حجاب شرعی که یک گناه جرم انگاری شده است، استفاده نمود.

این ویژگی جامعه ایرانی، موجب پیدایش مفهومی به نام «پلیس مسلمان» شده است. پلیس مسلمان به شخص یا اشخاصی گفته می‌شود که با تکیه بر اعتقادات دینی و ارزش‌های ملی، بر حسب وظایف قانونی و با داشتن تخصص و تجارب لازم، تدابیر و اقدام‌های مناسب را به منظور پیگیری و پیشگیری تخلف‌ها، ناهنجاری‌ها و جرایم جهت برقراری و حفظ نظم و امنیت مردم و کشور به مرحله اجرا می‌گذارد.

در جرایم نوع اول و دوم وظیفه اصلی پلیس مسلمان، امر به معروف و نهی از منکر است. با توجه به این امر، نقش پلیس در کاهش انگیزه مرتکبان جرایم بدون بزه دیده، در دو رویکرد قابل بررسی است.

الف. پلیس با نقش ارشاد کننده

امربه معروف از مهم‌ترین آموزه‌های دین مبین اسلام است به همین دلیل در فروع دین بسیار به آن توجه شده است. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «باید از شما مسلمانان برخی (که دانا و باتقواترید) خلق را به خیر و صلاح دعوت و مردم را به نیکوکاری امر کنند و از بدکاری نهی نمایند و اینان که به حقیقت واسطه هدایت خلق هستند در دو عالم در کمال فیروز بختی و رستگاری خواهند بود»^۱ بنابراین براساس این آیه، پلیس مسلمان وقتی می‌تواند به عنوان مربی، نقش ارشاد کننده داشته باشد که خود متخصص، متعهد، پاک و پارسا باشد.

پلیس ارشاد که در قالب گشت‌های شهری فعالیت می‌نماید و با رفتارهای مناسب و اسلامی با مظاهر مختلفی از کجروی‌ها و تخلفات اجتماعی از قبیل بدحجابی، برخورد

می‌کند، در راستای نقش ارشاد کننده پلیس در پیشگیری از جرایم به ایفای وظایف می‌پردازد.

حضور پلیس در این نقش سبب می‌گردد که افرادی که به عرف و مقبولیت‌های جامعه بی‌توجهی نشان می‌دهند، با دیدن نقش پلیس به عنوان مربی دلسوز و صمیمی در کنار خود، ارشاد شده و با جامعه هماهنگ شوند.

ب. پلیس با نقش هشدار دهنده

نهی از منکر از مهم‌ترین فرایض دینی است. خداوند بزرگ در قرآن کریم می‌فرماید: «شما (مسلمانان حقیقی) نیکوترین امتی هستید که بر آن قیام کرده‌اید و برای اصلاح بشر بایستی مردم را به نیکوکاری وادارید و از بدکاری بازدارید و ایمان به خدا آورید...»^۱.

از رسول گرامی اسلام نقل شده است: «تا وقتی که امر به معروف و نهی از منکر در حیات امت من رواج داشته باشد مردم در خیر و سعادت زندگی خواهند کرد. اما همین که آن را ترک کنند خیر و برکت از آنها گرفته می‌شود» (الحرالعالمی، ۱۹۸۳م، ص ۳۹۸).

حضور پلیس مسلمان با لباس مخصوص و آراسته در سطح شهر، کوچه و بازار ضمن اینکه احساس امنیت و آرامش را در جامعه ترویج می‌دهد و مردم با دیدن پلیس تأمین خاطر می‌یابند، از طرفی هم به عنوان مدیر و ناظر امنیت اجتماعی نقش هشداردهنده و بازدارنده دارد.

پر واضح است که مجرمان بالقوه و همه‌آنجایی که ممکن است تفکر مجرمانه در ذهن داشته و هنوز آن را جامه عمل نپوشانیده‌اند با دیدن پلیس از اقدام‌های ضد اجتماعی خود صرف نظر کرده و مرتکب جرم نمی‌شوند و این خود از وظایف ذاتی پلیس پیشگیری است.

مصادیق دیگر پلیس به عنوان مدیر با نقش هشداردهنده را می‌توان در هشدارهای پلیسی که از طریق رسانه‌های گروهی در اشکال و انواع مختلف برای مردم اطلاع رسانی می‌کنند و آگاهی مردم را نسبت به تخلفات و ناهنجاری‌های اجتماعی ارتقا می‌دهند ذکر



نمود که در واقع این هشدارها به نوعی جنبه آموزشی هم دارد.

نبودن مانع و رادع مؤثر

پلیس در این مرحله با شناسایی علل و عوامل بروز بزهکاری به مبارزه با آنها پرداخته و سعی در کنترل وضعیت مجرمانه می‌نماید. در این مورد، پیشگیری از بزهکاری در دو مرحله قابل فرض است:

- ۱- پیشگیری از علل و عوامل عمومی بزهکاری که این عوامل را باید در فرد، خانواده، محیط اجتماعی، وضعیت اقتصادی و معیشت ریشه‌یابی نمود؛
- ۲- پیشگیری از علل و عوامل اختصاصی جرایم که آنها را باید در روش‌ها و شگردهای ارتکاب جرم و بزهکاری جست و جو کرد.

در جرایم بدون بزه‌دیده، به دلیل ماهیت این گونه جرایم، استفاده از مشارکت عموم مردم راهی اجتناب ناپذیر در پیشگیری مؤثر از ارتکاب جرم است که این امر به نوبه خود پلیس را از مواضع انحصارطلبی و قدرت‌مدارانه به جایگاه اشتراک‌طلبی سوق می‌دهد. آنچه که امروزه تحت عنوان «پلیس همیار» در امر مبارزه با تخلفات راهنمایی و رانندگی استفاده می‌شود، می‌تواند الگوی مناسبی برای پلیس در جهت تعمیم این رویکرد در سایر زمینه‌ها باشد.

ارائه هر تعریفی از مراقبت و نظارت پلیس همگانی، متضمن این ایده است که پلیس و جامعه باید در کنار هم به تعریف و ارائه راه‌حل‌های مناسب برای شناسایی و بررسی مسائل و پیشگیری از بزهکاری بپردازند.

اگر در گذشته، نگاه پلیس سنتی بیشتر به پیگیری جرایم معطوف بوده و با حل مسئله و بیلان عملکرد، چهره پلیس ضربتی به خود گرفته بود، نگاه پلیس امروزی باید بیشتر به پیشگیری از جرایم معطوف باشد و با حل مشکلات اجتماعی، حتی از کوچک‌ترین مواردی که ممکن است در آینده به نوعی در شکل بزهکاری و ناهنجاری‌ها تجلی یابد، چهره پلیس پیشگیر را نشان دهد. در این راستا، بررسی ویژگی‌های یک پلیس پیشگیر از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

واضح است که پلیس پیشگیر برای حل مشکلات اجتماعی باید در بین گروه‌های

اجتماعی حضوری فعال و پایدار داشته باشد و حضور فعال پلیس در یک جامعه اسلامی مستلزم ارائه آموزش‌های لازم در زمینه اخلاق و احکام اسلامی به مأموران پلیس جهت تربیت نیروهای مؤمن و متعهد و کسب مهارت‌های لازم اجتماعی است.

در این مورد می‌توان به برنامه‌های پیشگیری از جرم سازمان ملل اشاره نمود. این

برنامه‌ها در سه سطح اولویت بندی شده‌اند:

۱- در نظر گرفتن عموم مردم؛

۲- توجه به قشرهای در معرض خطر؛

۳- توجه به بزه دیدگان.

اولویت اول که در نظر گرفتن عموم مردم است، شامل تدابیری می‌باشد که در پیشگیری از جرایم بی‌بزه دیده نیز کارایی دارد. این تدابیر در سه سطح انجام می‌گیرد که عبارت است از:

الف. توسعه نهادی: مانند توسعه و کارآمدتر ساختن نهادهای خدمات عمومی در جهت پیشگیری از جرم، از جمله نظام پلیسی و قضایی، فراهم آوردن دسترسی همگان به آموزش‌های عمومی، اتخاذ تدابیر مبارزه با بیکاری، اتخاذ سیاست‌های حمایت از خانواده و عمومی نمودن نظام مراقبت از خانواده؛

ب. کاهش فرصت‌ها: مانند طراحی باز شهرها؛

ج. تغییر ارزش‌های اجتماعی: مانند توسعه و حمایت از دخالت جامعه و مقابله‌های داوطلبانه با کجروی، نظارت بر برنامه‌های تلویزیونی، ارتقای حقوق و مسئولیت‌های شهروندان.

یک استدلال منطقی برای مشارکت و دخالت مردم، این باور است که پلیس نه به تنهایی می‌تواند جامعه‌ای مطمئن و سالم ایجاد کند و نه می‌تواند از آن محافظت نماید. پلیس و جامعه می‌توانند با شکل دادن فعالیت‌های محلی داوطلبانه، به پیشگیری از تخلفات، جرایم و بزهکاری کمک کنند. در این نقش، آنها در حکم دستیارانی در کنار یکدیگر تلقی می‌شوند.

از مهم‌ترین شاخص‌های برقراری ارتباط در مشارکت اجتماعی پلیس، وجود

اشتراک‌های رفتاری و گفتاری است و مهم‌تر از آن نیز اشتراک‌های پنداری و اعتقادی. بر پایه این فرضیات در کشوری که دین رسمی آن اسلام بوده و مردم مسلمان با همه وجود، ارزش‌های اسلامی و اجتماعی را پاس می‌دارند، پلیسی می‌تواند مشارکت مردمی و مساعدت عمومی را جلب کند که علاوه بر متخصص بودن، متعهد نیز باشد.

نتایج تحقیقات به عمل آمده در خصوص مشارکت‌های مردمی با پلیس نشان می‌دهد پلیس باید جهت افزایش ارتباط مردم با این سازمان و همچنین بالا بردن حس اعتماد مردم نسبت به انجام وظایف و مأموریت‌هایش تلاش کند تا بتواند اسباب پیشگیری از جرایم و ناهنجاری‌های اجتماعی را فراهم آورد (ملفت، ۱۳۸۲، ص ۲۱۸).

همچنین توجه به این نکته حائز اهمیت است که بررسی‌ها و مطالعات جامعه‌شناختی و به روز در حوزه فرهنگ، آداب و رسوم ایرانی و اسلامی، زمینه‌های بسیار مناسبی را برای تشکیل پلیس مشارکت‌گرا و مراقبتی فراهم می‌آورد (ترابی، ۱۳۸۲، ص ۹۵).

وجود یک هدف مستعد و محافظت نشده

ریموند گسن، جرم‌شناس فرانسوی انواع پیشگیری را از جنبه‌های مختلفی طبقه‌بندی نموده است. به نظر وی، تیپ‌شناسی فعالیت‌های مربوط به پیشگیری مبتنی بر ضوابط متفاوت و متغیر به این شرح است:

(۱) پیشگیری عمومی و پیشگیری خصوصی: پیشگیری عمومی به عوامل عمومی پدیده مورد پیشگیری و پیشگیری خصوصی عوامل نزدیک‌تر و خصوصی‌تر این پدیده را مورد توجه قرار می‌دهد؛

(۲) پیشگیری انفعالی و پیشگیری فعال: اولی به تنظیم مقررات و تدابیر پیشگیری می‌پردازد اما به استقبال پدیده مورد پیشگیری نمی‌رود و از تیپ اخطار است. دسته دوم، به عکس‌فعالانه در اجتناب ورزیدن از پدیده نامطلوب کار می‌کند؛

(۳) پیشگیری ابتدایی، ثانوی و ثالث: پیشگیری ابتدایی مجموع وسایلی است که معطوف به تغییر شرایط جرم‌زای اطرافیان به طور کلی اعم از طبیعی و اجتماعی است. پیشگیری ثانوی معطوف به تعیین نحوه مداخله برای پیشگیری از لحاظ گروه‌ها یا جمعیت‌هایی است که در معرض خطر بزهکاری هستند. پیشگیری مرتبه سوم معطوف به

پیشگیری از جرم در خلال اقدامات فردی برای سازگاری اجتماعی یا خنثی نمودن بزهکاران پیشین است.

تعریف این سه سطح نشان می‌دهد که فقط دو دسته اول مربوط به جرم شناسی پیشگیری است و سومی در قلمرو جرم شناسی بالینی می‌باشد؛

۴) پیشگیری اجتماعی: تشخیص چهارم عملی‌تر و مبتنی بر تشخیص بین پیشگیری اجتماعی و پیشگیری وضعی است. پیشگیری اجتماعی به آن دسته از عوامل رفتاری حمله‌ور می‌شود که منجر به بزهکاری می‌گردند. پیشگیری وضعی نیز شرایط و اوضاع و احوال ماقبل جرم و جنایت را مطمح نظر قرار می‌دهد، خواه با اعمالی برای تقلیل موقعیت‌های ارتکاب جرم، خواه با اعمالی به منظور افزایش بیم خطر برای بزهکاران (گسن، ۱۳۷۰، ص ۱۳۰).

به نظر می‌رسد آن نوع از پیشگیری که تفاوت جرایم دارای بزه دیده و جرایم بدون بزه دیده در آن نمایان‌تر و ملموس‌تر است، آخرین نوع پیشگیری یعنی پیشگیری وضعی یا وضعیت مدار است. در این روش، گاهی فرد در معرض بزه دیدگی مدنظر قرار گرفته و با حمایت از او یا آنچه در معرض وقوع جرم است از تحقق عمل مجرمانه جلوگیری می‌شود و در مواردی نیز با تغییر شرایط محیطی اعم از مکان، زمان و ... امکان تحقق جرم سلب یا وقوع آن دشوارتر می‌گردد (میرخلیلی، ۱۳۸۳، ص ۶۰).

بیشتر اشکال پیشگیری وضعی، در مرحله عمل نیازمند قصد جدی بزه دیده بالقوه و همکاری او جهت اجرایی نمودن شیوه‌های پیشگیری است؛ بنابراین برخی از صاحب‌نظران معتقدند که نقش بزه دیده به عنوان یکی از مهم‌ترین موضوع‌های پیشگیری بوده و آسیب‌پذیری بزه دیده یا آماج‌های جرم از عوامل مؤثر در بزهکاری است (ویانو، ۱۳۷۶، ص ۴۳۲).

این در حالی است که در جرایم بدون بزه‌دیده خصوصاً در جرایم توأم با رضایت طرفین^۱ اصولاً دو طرف جرم هر دو بزهکار محسوب شده و هیچ کدام از آنها نه تنها قصد اعمال تدابیر پیشگیرانه را ندارند، بلکه با همکاری یکدیگر موانع برقراری تماس با یکدیگر

1. consensual crimes



را خنثی نموده و اقدام به ایجاد جاذبه می نمایند. به عنوان مثال در قسمت اعظم جرایم توأم با تراضی طرفین یعنی روابط جنسی نامشروع، اشخاص حرفه‌ای نظیر روسپی‌ها جهت تسهیل برقراری ارتباط با مشتریان از واسطه‌ها یعنی قوادان کمک می گیرند. به همین ترتیب حتی اگر اقدام‌های پیشگیرانه از خارج و توسط نیروهای پلیس هم انجام گیرد، طرفین جرم سعی در خنثی سازی این اقدام‌های و در نهایت ارتکاب جرم مورد نظر را دارند. بنابراین چالش دیگر فراروی سیاست جنایی در مورد نقش پلیس در پیشگیری از جرایم بدون بزه دیده در قالب عدم امکان اجرا و موفقیت تدابیر پیشگیری وضعی نمایان می گردد.

پس اتخاذ این روش پیشگیری از جرم در مورد جرایم بدون بزه دیده کارایی لازم را نخواهد داشت؛ زیرا اصولاً یا بزه دیده مستقیمی وجود ندارد، همانند خوردن مشروبات الکلی و یا اینکه همان طور که پیش از این گفته شد، از آنجا که جرم با رضایت طرفین واقع می شود و طرفین با میل و رغبت با یکدیگر تماس برقرار می کنند تمایلی برای همکاری با متولیان امر پیشگیری وضعی وجود ندارد (گسن، ۱۳۷۶، ص ۶۰۵).

نتیجه آنکه نقش پلیس در پیشگیری از جرایم بدون بزه دیده، بیشتر متوجه دو عنصر مشکله جرم یعنی وجود یک مرتکب بانگیزه و نیز نبودن مانع مؤثر می شود. بنابراین پلیس در جرایم بدون بزه دیده نخست باید از انگیزه مرتکبان جرم بکاهد و سپس با ایجاد ساختارهایی که نظارت مناسب بر مجرمان احتمالی را افزایش می دهد، در راستای نقش پیشگیرنده خود اقدام نماید.

نتیجه گیری

مفهوم پیشگیری از جرم باید در رابطه با سیاست جنایی هر کشور بررسی شود. سیاست جنایی در تعریف موسع خود مجموعه روش‌هایی است که به وسیله آن بدنه اجتماعی پاسخ‌های خود را به پدیده مجرمانه سازمان دهی می کند (حسینی، ۱۳۸۳، ص ۲۷).

با توجه به این مفهوم، پلیس به عنوان جزئی از بدنه اجتماعی مطرح است که باید از تمامی روش‌ها و پاسخ‌ها در برابر پدیده مجرمانه از جمله اتخاذ سیاست‌های پیشگیرانه استفاده نماید.

در اتخاذ سیاست‌های پیشگیرانه نیز توجه به مقتضیات فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی حائز اهمیت است. با لحاظ این امر، ناگزیر خواهیم بود که با در پیش گرفتن سیاست‌های افتراقی پیشگیرانه و با توجه به مبنای دوگانه جرم‌انگاری در نظام جمهوری اسلامی ایران، جرایم را به بدون بزه دیده و دارای بزه دیده تقسیم نماییم.

بنابراین پلیس در پیشگیری از جرایم باید مطابق همان رویکردی عمل کند که مبنای جرم‌انگاری و تعیین مجازات‌ها قرار گرفته است. پس اگر مبنای جرم‌انگاری برخی از اعمال، حفظ نظم عمومی است، نیروها و امکانات پلیس براساس این مبنا باید شکل گیرند. اما اگر مبنای جرم‌انگاری آنها «گناه بودن» این اعمال باشد، پلیس از رویکرد و نیروهای ویژه‌ای باید برخوردار باشد و نمی‌توان از همان روش‌هایی که در برخورد با جرایم علیه نظم عمومی استفاده می‌شود، در پیشگیری از جرایم مبتنی بر گناه بودن آن اعمال، استفاده کرد. بنابراین تفکیک جرایم از حیث مبنایی جهت پیشگیری از آنها توسط پلیس امری ضروری است.

این رویکرد مستلزم آن است که در جرایم بدون بزه دیده مانند خرید و فروش مواد مخدر، فحشا و ... آموزش ویژه به خانواده‌ها داده شود و در سایر جرایم مانند سرقت، نزاع و ... مدیریت خطر جرم مؤثرترین راهبرد پلیس در پیشگیری از بزه‌کاری باشد. به این منظور پلیس تنها از طریق بالا بردن اعتماد عمومی، ارتقای آگاهی‌ها و ایجاد تضمینات حقوقی - قضایی به منظور جلوگیری از سوء استفاده مأموران پلیس در ایفای وظایف پیشگیرانه خود، قادر خواهد بود از مشارکت شهروندان در امر پیشگیری از بزه‌کاری استفاده نماید.

پیشنهادها

از آنچه تاکنون گفته شد می‌توان راهبردهای زیر را برای پلیس در جهت افزایش کارایی در پیشگیری از جرایم بدون بزه دیده استفاده نمود:

- ایجاد یک رویکرد فراگیر در پذیرش و اداره کردن کارکنان و مأموران ناجا براساس توجه به فریضه امر به معروف و نهی از منکر؛



- به وجود آمدن نفوذ و احترام برای مأموران ناجا در داخل و خارج از سازمان و رعایت کرامت آنها؛
- تضمین و کنترل مسئولیت پذیری پلیس علاوه بر مکانیزم‌های اداری به وسیله شهروندان دریافت کننده خدمات؛
- آموزش مأموران ناجا به مردم در مورد موضوع‌هایی مثل نوع واکنش، اطلاع رسانی به پلیس و نتایج زیان بار این گونه جرایم؛
- مأمور پلیس باید با داشتن ارتباط خوب و مناسب با اهالی محل در مواقع لزوم همه منابع جامعه از جمله شهروندان، سازمان‌های دولتی و خصوصی درگیر موضوع را بسیج کند. در این راستا، «پلیس محله» دارای نقش ویژه و ممتازی است؛
- تغییر سازمان و تجدید ساختار پلیس از انتخاب مأموران گرفته تا آموزش، ارزیابی و سایر مسائل در مسیر پیشگیری از جرم؛
- هنگام لزوم مداخله، همیاری و همکاری پلیس، کنترل اجتماعی غیررسمی، انتخاب اول است.
- ایجاد اطمینان و اعتماد بین مردم و پلیس براساس تفاهم، تعامل و بالا رفتن «ضرب احساس امنیت» در بین شهروندان برپایه همیاری و همکاری زمینه ساز جلب مشارکت همگانی در امر پیشگیری از جرایم بدون بزه دیده با محوریت پلیس.

منابع فارسی

قرآن کریم.

پیکا، ژرژ. (۱۳۷۰). جرم شناسی، ترجمه علی حسن نجفی ابرندآبادی، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.

ترابی، یوسف. (۱۳۸۲). درآمدی بر رهیافت پلیس مشارکت گرا، تهران: فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی، پیش شماره ۲.

الحرالعاملی، محمدبن‌الحسن. (۱۹۸۳ م). وسائل الشیعه، ج ۱، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

حسینی، محمد. (۱۳۸۳). سیاست جنایی در اسلام و در جمهوری اسلامی ایران، تهران: انتشارات دانشگاه تهران و سمت.

- دلماش مارتی، میری. (۱۳۸۱). *نظام‌های بزرگ سیاست جنایی*، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، تهران: نشر میزان.
- رایجیان اصلی، مهرداد. (۱۳۸۴). *بزه دیده شناسی حمایتی*، تهران: نشر دادگستر
- رزن بام و دیگران. (۱۳۷۹). *پیشگیری وضعی از جرم*، ترجمه رضا پرویزی، مجله حقوقی و قضایی دادگستری، ش ۳۲.
- رهامی، محسن. (۱۳۸۲). *تحول و تعدیل مجازات‌ها در نظام کیفری جمهوری اسلامی ایران*، اندیشه‌های حقوقی، ش ۴.
- رهامی، محسن. (۱۳۸۷). *جرایم بدون بزه دیده*، تهران: نشر میزان.
- سند شماره ACONF.169.11 سازمان ملل متحد، تهیه شده به عنوان سند مبنایی «کارگاه پیشگیری از جرم و خشونت» در نهمین کنگره پیش گیری از وقوع جرم و اصلاح مجرمان (۲۰ فوریه ۱۹۹۵-قاهره).
- کی نیا، مهدی. (۱۳۸۲). *مبانی جرم شناسی*، ج ۲ (جامعه شناسی جنایی)، چاپ ششم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- گسن، ریموند. (۱۳۷۰). *جرم شناسی کاربردی*، ترجمه مهدی کی نیا، تهران: نشر مترجم.
- گسن، ریموند. (۱۳۷۶). *روابط میان پیشگیری وضعی و کنترل بزهکاری*، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، مجله تحقیقات حقوقی دانشگاه شهید بهشتی، ش ۱۹-۲۰.
- ملفت، حسین. (۱۳۸۲). *مشارکت مردم در انجام وظایف ناجا*، فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی، پیش شماره ۲.
- مهرپور، حسین. (۱۳۷۲). *دیدگاه‌های جدید در مسائل حقوقی*، تهران: انتشارات اطلاعات.
- میرخلیلی، سید محمود. (۱۳۸۳). *پیشگیری وضعی از نگاه آموزه‌های اسلامی*، فصلنامه تخصصی فقه و حقوق، سال اول، ش ۱.
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین و هاشم بیگی، حمید. (۱۳۷۷). *دانشنامه جرم شناسی*، تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین. (۱۳۸۷). *رویکرد بزه دیده شناختی به بزه های بدون بزه دیده*، مندرج در کتاب *جرایم بدون بزه دیده*، تهران: نشر میزان.
- ویانو، امیلیو. (۱۳۷۶). *بزه دیده شناسی*، ترجمه نسرین مهرا، مجله تحقیقات حقوقی، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، ش ۱۹-۲۰.

منابع لاتین

Cohen, Lawrence E and Marcus Felson, (1979). *Social change and crime rate trends*, routine Activity approach, American Sociological Review, Vol. 44

Archive of SID